

نگاه فقهی به سپرده‌های بانکی

چکیده

فعالیت‌های بانکی را می‌توان در دو بخش کلی «تجهیز» و «تخصیص» منابع پولی، خلاصه نمود. در بخش تجهیز منابع پولی، بانک‌ها اقدام به جمع‌آوری وجوه از افراد که دارای مازاد هستند نموده و در بخش تخصیص منابع پولی، وجوه جمع‌آوری شده را به متقاضیان تأمین مالی (و یا افراد که دارای کسری هستند) واگذار می‌نمایند. تجهیز و تخصیص منابع پولی در نظام بانکداری متعارف بر پایه بهره استوار است. لذا دارندگان وجوه مازاد، با سپرده‌گذاری در بانک‌ها عملاً وجوه خویش را به بانک قرض داده و با نرخ معینی، بهره دریافت می‌کنند. متقاضیان وام و تسهیلات نیز در ازای پرداخت بهره از بانک‌ها قرض می‌گیرند. سود بانک نیز از مابه‌التفاوت بهره پرداختی به سپرده‌گذاران و بهره دریافتی از گیرندگان وام و تسهیلات بانکی به دست می‌آید.

با توجه به تحریم ربا در اسلام، در نظام مالی اسلامی نمی‌توان از شیوه بانکداری متعارف که مبتنی بر ربا می‌باشد جهت تجهیز و تخصیص منابع پولی استفاده نمود. بنا براین اندیشمندان و متفکران اسلامی به هدف سامان‌دهی نظام مالی و بانکداری اسلامی از عقود اسلامی به عنوان جایگزین‌های مناسب در تجهیز و تخصیص منابع پولی استفاده نموده‌اند. رابطه سپرده‌گذار با بانک رابطه قرض است و سپرده‌های جاری و پس‌انداز دارای ماهیت قرض هستند اما در مورد سپرده سرمایه‌گذاری (مدت‌دار) دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد از این رو، در این مقاله ضمن تبیین انواع سپرده‌ها، شیوه تجهیز و ماهیت سپرده‌های بانکی، حکم فقهی آن‌ها را مورد بررسی قرار گرفته است.

واژه‌های کلیدی: بانک، سپرده، قرض، ودیعه، اجاره، مشارکت، مضاربه، وکالت.

مقدمه

عمده فعالیت‌های بانکی را می‌توان در دو بخش کلی «تجهیز» و «تخصیص» منابع پولی، خلاصه نمود. در بخش تجهیز منابع پولی، بانک‌ها اقدام به جمع‌آوری وجوه از افراد دارای مازاد نموده و در بخش تخصیص منابع پولی، وجوه جمع‌آوری شده را به متقاضیان تأمین مالی واگذار می‌نمایند. تجهیز و تخصیص منابع پولی در نظام بانکی ربوی بر پایه و اساس بهره شکل می‌گیرد. بنا بر این دارندگان وجوه مازاد با سپرده‌گذاری در بانک عملاً وجوه خویش را به بانک قرض داده و نرخ بهره معینی دریافت می‌کنند. متقاضیان تسهیلات نیز در ازای پرداخت بهره از بانک‌ها قرض می‌گیرند. از رهگذر مابه‌التفاوت بهره پرداختی به سپرده‌گذاران و بهره دریافتی از گیرندگان تسهیلات سود بانک محقق می‌شود.

از آنجایی که در اسلام ربا تحریم گردیده است، نمی‌توان از شیوه‌ی رایج در بانکدار متعارف که مبتنی بر ربا است جهت جذب و تخصیص منابع پولی در نظام مالی اسلامی استفاده نمود. بنا بر این متفکران و اندیشمندان و اقتصاد دانان اسلامی به منظور شکل‌دهی نظام مالی و بانکداری اسلامی از جایگزین‌هایی مناسب که مطابق با اهداف و مبانی اسلامی باشند استفاده نمایند. و به همین منظور از عقود اسلامی (عقودی مشارکتی، مضاربه، وکالت، مزارعه و مساقات و...) به عنوان جایگزین در تجهیز و تخصیص منابع پولی استفاده نموده‌اند. این مقاله درصدد است ضمن تبیین انواع سپرده‌ها، شیوه تجهیز سپرده‌های بانکی، حکم فقهی سپرده‌های بانکی را مورد تحلیل و بررسی قرار دهد.

انواع سپرده‌های بانکی:

سپرده‌های بانکی انواع مختلفی دارند که می‌توان به حساب‌های جاری، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری اشاره نمود. بنا بر این سپرده‌های متداول در نظام بانکی شامل اقسام زیر می‌باشد:

الف) سپرده پس‌انداز

منظور سپرده‌هایی است که افراد با انگیزه‌های گوناگون در بانک نگهداری می‌کنند و هنگامی که نیاز به آن داشته باشند، تمام یا مقداری از آن را دریافت می‌نمایند. در بانکداری متعارف (ربوی)، انگیزه‌ی پس‌انداز کنندگان، عمدتاً برخورداری از امنیت برای

دارایی خود، استفاده از بهره و سایر تسهیلاتی است که به پس اندازکنندگان تعلق می‌گیرد. لکن در بانکداری بدون ربا(اسلامی)، انگیزه‌ی استفاده از بهره برای سپرده‌گذار وجود ندارد، در عوض انگیزه‌ی معنوی و برخورداری از پاداش اخروی جایگزین می‌شود.

ب) سپرده‌های دیداری

سپرده‌های دیداری وجوهی است که صاحبان این سپرده‌ها در بانک می‌گذارند. با این هدف که هر وقت نیاز داشتند و به مجرد درخواست، در اختیار آنان و یا شخصی که در وجه او چک صادر می‌نمایند قرار داده شود. انگیزه‌ی گشایش این نوع حساب در بانک عمدتاً آسان ساختن مبادلات می‌باشد، و معمولاً هیچ‌گونه بهره‌ای به صاحبان این نوع سپرده‌ها تعلق نمی‌گیرد، و در مقابل خدمات انجام شده نیز هیچ‌گونه کارمزدی دریافت نمی‌شود. خصوصیت بارز این گونه سپرده‌ها برخورداری از درجه‌ی نقدینگی بالاست. زیرا اولاً خود سپرده‌گذار هرگاه بخواهد می‌تواند به بانک مراجعه و مقداری از موجودی خود را دریافت کند. ثانیاً چکی که سپرده‌گذار بر اساس موجودی خود صادر می‌کند، در صورت اعتبار صاحب آن، نقش پول را در مبادلات ایفا نموده و ممکن است قبل از رفتن به بانک چند دست‌گردش کند.

ج) سپرده‌های مدت‌دار (ثابت)

سپرده‌های مدت‌دار مبالغی که صاحبان آن‌ها در بانک سپرده‌گذاری می‌کنند و بر اساس توافقی که با بانک می‌کنند، تا مدت مشخص و معینی چیزی از آن برداشت نمی‌کنند، در مقابل بانک‌های متعارف (ربوی) بر اساس قرارداد منعقد می‌شود که بهره‌ی معینی به سپرده‌گذار پرداخت نماید و در بانکداری غیرربوی نیز براساس عقود مشارکتی، مضاربه، وکالت، مزارعه و مساقات، درصدی از سود را مالک می‌شود. (فراهانی فرد ۱۳۷۸: ۱۸۹-۱۸۸)

از آنجای که شرایط و ویژگی‌های هر یک از این سپرده‌ها، متفاوت هستند لذا می‌توان در بررسی فقهی، حساب‌های جاری و پس انداز را در یک دسته و حساب‌ها سرمایه‌گذاری را در دسته دیگر قرار داد.

در تبیین ماهیت فقهی سپرده‌های بانکی، احتمال‌های مختلفی از طرف اندیشمندان اسلامی مطرح شده است، احتمال، قرض، ودیعه، عاریه، اجاره و دیعه ناقص، و قرارداد جدید. قبل از بررسی هر یک از این احتمال‌ها، نگاهی اجمالی به برخی قوانین بانکی در کشورهای مختلف خواهیم داشت. (موسویان، جزوه فقه معاملات بانکی)

ماهیت سپرده‌های بانکی در قوانین کشورهای مختلف

در حقوق فرانسه، وجه مشترک همه نظرات حقوقی در مورد سپرده بانکی این است

که بانک مالک سپرده می شود و تکلیف استرداد مثل آن را به سپرده‌گذار دارد، و به همین دلیل است که به نظر دیوان تمییز فرانسسه دارنده حساب بانکی یک بستانکار از بانک است. (کاشانی، مجموعه مقالات هشتمین سمینار بانکداری اسلامی: ۱۰۶)

در حقوق انگلستان، به نظر حقوقدانان این کشور، هنگامی که یک بانکدار حسابی برای مشتری باز می کند، رابطه ای که میان آنان برقرار می شود، رابطه بدهکار و بستانکار است، هنگامی که در این حساب، سپرده ای وجود دارد، مشتری «بستانکار» و بانکدار «بدهکار» می باشد. در این قانون تصریح شده که رابطه میان بانک و مشتری، جنبه امانی ندارد، به این معنی که بانک تکلیفی ندارد که نتایج اقدامات خود را برای سپرده‌گذاران افشا کند. (پیشین)

در حقوق امریکا تصریح شده است، در سپرده‌گذاری عام پول، همان لحظه ای که پول سپرده می شود به مالکیت بانک در می آید و بانک و سپرده‌گذار رابطه حقوقی بدهکار و بستانکار را به عهده می گیرند، اثر حقوقی این قرارداد آن است که وامی به بانک داده می شود و بانک در برابر آن صریحاً یا به گونه ای ضمنی، پرداخت یا بازپرداخت مبلغ سپرده را به محض درخواست تعهد می کند. (پیشین: ۱۰۷)

در بانکداری امریکا، سپرده ای به نام سپرده خاص وجود دارد که در قوانین مربوط به آن آمده است.

«در سپرده خاص، بانک تنها مسئولیت حفاظت از مال را می پذیرد، بی آنکه اختیار بکاربردن آن را داشته باشد و سپرده‌گذار حق استرداد همان پول یا شیء سپرده شده را دارد، در این نوع سپرده، حق مالکیت برای سپرده‌گذار باقی می ماند و اگر سپرده پول باشد، بانک حق مخلوط کردن آن را با پول‌های دیگر ندارد، رابطه ای که به وجود می آید، رابطه ودیعه‌گذار و مستودع است، نه بستانکار و بدهکار». در قوانین کشورهای دیگر معمولاً از سپرده خاص تحت عنوان «حفظ امانات» یاد می کنند.

به باوری برخی، از جمع بندی قوانین کشورهای مختلف درباره سپرده‌های بانکی در بانکداری متعارف چند نکته مشترک و چند نکته خاص درباره هر یک از سپرده‌ها بدست می آید:

۱. بعد از عملیات سپرده‌گذاری، سپرده به مالکیت بانک در می آید و جزو منابع بانک محسوب شده، بانک حق هر گونه دخل و تصرفی در آن را دارد.
۲. بانک در همه سپرده‌ها، ضامن اصل سپرده و در سپرده‌های پس انداز و مدت دار علاوه بر اصل سپرده متعهد به پرداخت بهره هم می باشد.
۳. در همه سپرده‌ها رابطه مشتری و بانک، رابطه بستانکار و بدهکار است.
۴. در سپرده‌های جاری و پس انداز، بانک متعهد است عندالمطالبه و در سپرده

مدت دار طبق قرارداد خاص موظف به پرداخت کل یا بخشی از سپرده به درخواست سپرده‌گذار است. (موسویان، جزوه فقه معاملات بانکی)
حال با توجه به مشترکات و مختصات سپرده‌ها و قوانین کشورهای مختلف، احتمالات مربوط به ماهیت سپرده‌ها را بررسی می‌نمایم.

بررسی فقهی سپرده‌های بانکی

حساب‌های جاری و پس انداز

چنانچه بیان شد این حساب‌ها که شامل دو دسته حساب‌های جاری و پس انداز می‌شود، مبالغ نقدی هستند که به بانک‌ها سپرده می‌شوند و افراد می‌توانند با استفاده از چک (در حساب‌های جاری) و یا دفترچه (در حساب‌های پس انداز) در هر زمانی که خواستند از آن برداشت کنند. به این سپرده‌ها هیچ عایدی تعلق نمی‌گیرد. محققان در تعیین نوع عقد شرعی که این عملیات تحت آن می‌گنجد، اختلاف نظر دارند. در ذیل به برخی از این نظریات اشاره می‌شود:

۱. **قرض:** سپرده‌های بانکی قرض می‌باشد؛ یعنی سپرده‌گذار مقدار معینی را به بانک قرض می‌دهد تا هنگام نیاز قرض خود را مطالبه کند.
 ۲. **ودیعه:** سپرده‌ها همان گونه که از اسم آن‌ها پیداست، ودیعه هستند.
 ۳. **اجاره:** سپرده‌گذار، پول خود را به بانک اجاره می‌دهد تا از آن استفاده کرده بعد از مدتی علاوه بر برگرداندن اصل آن، مقداری هم به عنوان اجاره به او پرداخت شود.
 ۴. **عاریه:** سپرده‌گذار، پول خود را در نزد بانک عاریه می‌دهد، تا از منافع آن استفاده کرده اصل آن را به او برگرداند.
 ۵. **عده‌ای نیز خواسته‌اند با فرق گذاشتن بین قرض و وام‌های بانکی، سپرده‌ها را از نوع وام بانکی، به عنوان عقد جدیدی در قبال قرض قرار دهند.** (فراهانی فرد، پیشین) شایسته است که پیش از هرگونه بحث و اظهار نظر، عناوین فوق تعریف گردد.
- قرض:** مرحوم بجنوردی در قواعد الفقهیه، بهترین تعریفی را که برای قرض شده است.

(تملیک مال بعوضه الواقعی ان كان من المثلیات فبمثله و ان كان من القیمیات فبقیمته)
(بجنوردی ۱۴۲۴، ۵: ۲۰۵) دانسته است؛ یعنی قرض دهنده مال خود را در مقابل عوض واقعی آن به ملکیت قرض گیرنده در می‌آورد، که اگر مثلی باشد عوض آن مثلش است و اگر قیمی باشد قیمت آن.

البته با توجه به اینکه قرض از عقود معاوضی نمی‌باشد، تعبیر (تملیک به عوض) تعبیر دقیقی نیست؛ منظور ایشان این بوده که این تملیک مجانی نمی‌باشد (فراهانی فرد، پیشین).

به همین جهت ایشان در جایی دیگر قرض را (تملیک مال للاحر بالضمان) تعریف کرده است.^{۶۰} (بجنوردی، پیشین: ۲۵۶) در قانون مدنی افغانستان نیز قرض چنین تعریف شده است:

قرض عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین ملکیت پول نقد یا عین معلوم را از اعیان مثلی به طرف دیگر انتقال دهد که طرف دیگر مثل آن را در نوع، مقدار، و وصف بعد از انتهای موعد معین به قرض دهند رد نماید. (قانون مدنی افغانستان، ۲: ۱۹۳)

وجه مشترک همه‌ی این تعاریف در آن است که شخصی مالی را به ملکیت دیگری درمی‌آورد و دیگری هم ضامن مثل یا قیمت آن می‌شود. به همین دلیل می‌تواند در مال قرض گرفته شده هرگونه تصرفی بکند و حتی با باقی‌بودن عین مال قرض گرفته شده، برگرداندن همان مال ضرورتی ندارد؛ گرچه اگر آن را بپردازد قرض دهنده باید قبول کند. (سعید فراهانی فرد، پیشین)

ودیعه: ودیعه (سپرده) در لغت چیزی است که نزد غیر مالکش برای حفاظت از آن، گذارده می‌شود. (ابن منظور، ۱۹۹۵، ج ۱۵: ۲۵۴) و در اصطلاح فقها، مرحوم علامه در قواعد درباره‌ی حقیقت و دیعه می‌فرماید:

و هی عقد یفیدالاستنابه فی الحفظ، جائزه من الطرفین؛ (محقق ثانی، ۱۴۱۴: ۷) عقدی است که شخصی به دیگری از جانب خود نیابت می‌دهد که مال او را حفظ نماید و این عقد از جانب هر دو طرف عقدی جایز است.

محقق ثانی در توضیح این عبارت می‌فرماید:

پس هرگاه مالک بخواهد مالش را برگرداند، و دیعه‌پذیر نمی‌تواند او را منع نماید، و واجب است که مال او را برگرداند؛ چنانکه هرگاه و دیعه‌پذیر نیز بخواهد و دیعه را برگرداند صاحب مال نمی‌تواند نپذیرد. زیرا او در این جهت ذی‌نفع نمی‌باشد. (پیشین)

همچنین از عبارات فقها استفاده می‌شود که و دیعه پذیر در صورتی که در نگاهداری امانتی که در دست اوست کوتاهی نکند، در صورت تلف شدن ضامن نخواهد بود، و نمی‌تواند هیچ‌گونه تصرفی در این مال انجام دهد و در صورت هرگونه استفاده از آن، ضامن خواهد بود؛

(پیشین، به نقل از سعید فراهانی فرد) مگر اینکه نگاهداری آن مستلزم چنین تصرفی باشد.

حقوقدانان نیز و دیعه را چنین تعریف کرده‌اند:

عقدی است که به موجب آن یک نفر مال خود را به دیگری می‌سپارد برای آنکه آن را مجاناً نگاه دارد. (قانون مدنی ایران ۱۳۸۳، ماده ۶۰۷: ۱۸۵)

همچنین گفته‌اند:

امین ضامن تلف یا نقصان مالیکه به او سپرده شده است نمی‌باشد، مگر در صورت

تعدی یا تفریط. (قانون مدنی، ماده ۶۱۴، ۱۳۸۳: ۱۸۶)

از تعریف فقهی و حقوقی ودیعه چند مطلب را می‌توان به دست آورد:

۱. ودیعه به ملک مالک آن باقی می‌ماند و ودیعه‌پذیر هیچ گونه حق مالکیتی نسبت به این مال ندارد.
۲. قبول‌کننده‌ی امانت، حق هیچ‌گونه تصرفی در آن را ندارد، مگر برای حفظ و نگهداری آن.
۳. ودیعه‌پذیر هیچ‌گونه ضمانتی نسبت به مال سپرده‌شده به او ندارد، مگر در صورت کوتاهی در حفظ آن.
۴. عقد ودیعه مبتنی بر احسان و به صورت مجانی خواهد بود، البته برخی گفته‌اند می‌توان در ضمن آن شرط اجرت نمود. البته در صورتی که نگاهداری امانت مخارجی در بر داشته باشد، این مخارج به عهده‌ی امانت‌گذار است.
۵. امانت‌پذیر موظف است هرگاه، مالک مالش را مطالبه کند به او برگرداند؛ چنانکه امانت‌گذار نیز باید ودیعه را هر زمان که امانت‌پذیر به او برمی‌گرداند بپذیرد. زیرا همان‌طور که گفته شد ودیعه عقدی است جایز؛ مگر آنکه به طریق ملزومی این عقد را غیرقابل فسخ کند.

(فراهانی فرد، پیشین: ۱۹۲)

ودیعه ناقص: نظر دیگری که در این مورد ابراز شده این است که این حساب‌ها حکم ودیعه ناقص را دارند؛ چرا که در این نوع ودیعه، گیرنده آن را به تملک خود در می‌آورد و تنها ملزم به برگرداندن مثل آن می‌باشد، بر خلاف ودیعه کامل که گیرنده ودیعه، مالک آن نمی‌شود. همچنین این عنوان از قرض نیز متفاوت است؛ زیرا بانک هر چند مالک مبلغ سپرده شده در حساب می‌شود و اجازه استفاده از آن را دارد، اما همواره معادل آن را در خزانه اش نگه داری می‌کند.

(حسن عبدالله امین، ۱۹۸۳: ۲۲۲)

عاریه: بجنوردی عاریه را این گونه تعریف نموده:

العاریة عبارة عن تسليط شخص على عين ذات منفعة لكي يتفعل بها مجاناً وبلا عوض (بجنوردی، حسن، القواعد الفقهیه، ۵: ۲۳۷) عاریه عبارت است از مسلط ساختن شخصی بر مالی که دارای منافع می‌باشد، برای اینکه آن شخص به طور مجانی و بدون عوض از آن مال استفاده کند.

مرحوم علامه‌ی حلی در قواعد برای عاریه پنج رکن اصلی ذکر می‌کند که یکی از آن‌ها عبارت از این است که مالی که به عاریه داده می‌شود، به گونه‌ای باشد که ضمن قابلیت استفاده و بهره برداری از آن، اصل آن باقی بماند؛ مانند عاریه دادن لباس برای پوشیدن، اسب برای سواری، زمین برای زراعت و... اما طعام را نمی‌توان عاریه داد، زیرا

استفاده از آن در از بین بردن آن است.

همچنین گفته شده که استفاده از مال عاریه داده شده مجانی است و در صورتی که مطابق اذن داده شده عمل شود، گیرنده‌ی عاریه ضامن نخواهد بود. اما می‌توان ضمانت را در عقد عاریه لحاظ نمود. در ماده‌ی ۱۴۶۴ قانون مدنی افغانستان به این مطلب تصریح شده است. در ماده‌ی ۱۴۵۶ قانون مدنی افغانستان عاریه این گونه تعریف گردیده:

«عاریت، عبارت است از تعهد عاریت دهنده به تسلیم منفعت عین، بعاریت گیرنده بدون عوض، برای مدت معین یا غرض معین، به این شرط که بعد از استعمال آنرا اعاده نماید». بنا بر این عاریه عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین به طرف دیگر اجازه می‌دهد، از عین مال او به صورت مجانی منتفع شود. (حسینی ۱۳۸۳: ۱۸۹)

به عقیده برخی عقد عاریه از هر جهت شبیه عقد ودیعه است، به جز در جهت اذن در تصرف برای عاریه گیرنده، و در خصوصیت مالی که به عاریه گذاشته می‌شود. (فراهانی فرد ۱۳۷۸: ۱۹۳)

اجاره: علامه^(۵) اجاره را چنین تعریف نموده است:

عقد ثمرته تملیک المنفعه بعوض معلوم؛ (حلی ۱۴۱۵، ۲: ۲۰۹) عقدی است که به موجب آن منفعت یک مال به دیگری تملیک (منتقل) می‌شود.

صاحب عروه نیز در تعریف اجاره فرموده است:

هی تملیک عمل او منفعه بعوض؛ (الخوی: ۹) به ملکیت در آوردن کار یا منفعتی است در مقابل عوض که شارح کتاب فرموده است.

این تعریف به اعتبار اجاره دهنده و تعریف علامه^(۵) به معنای مصدری است. در قانون مدنی نیز چنین آمده:

عقد اجاره عبارت است از تملیک منفعت مورد نظر از عینیکه توسط اجاره دهنده برای اجاره گیرنده اجاره داده می‌شود به عوض که قابلیت بدل را داشته باشد. (قانون مدنی افغانستان، ماده ۱۳۲۲)

در این تعریف از معوض بودن مورد اجاره ذکر نشده است.

از بررسی عبارات فقها و حقوقدانان آشکار می‌شود که تنها تفاوت اجاره و عاریه در آن است که در عاریه استفاده از مال امانتی، مجانی است، اما در اجاره این انتفاع در مقابل عوض می‌باشد. به طور کلی از مقایسه این چهار عقد با یکدیگر برمی‌آید که سه عقد ودیعه، عاریه و اجاره دارای دو ویژگی مشترک هستند:

۱. مال در ملکیت مالک اولیه خود باقی می‌ماند، به خلاف قرض که ملکیت مال منتقل

می‌شود؛

۲. ویژگی دیگر این سه عقد، ضامن نبودن ودیعه پذیر و عاریه‌پذیر و مستأجر در صورت کوتاهی نکردن در حفظ مال می‌باشد؛ به خلاف قرض که به دنبال انتقال ملک،

قرض گیرنده ضامن برگرداندن مثل آن می‌شود؛

عقد اجاره و عاریه علاوه بر خصوصیات فوق، دارای یک ویژگی مشترک می‌باشند و آن این است که باید از اشیایی باشند که ضمن استفاده، اصل آن‌ها محفوظ بماند و به تعبیر دیگر از اشیای مصرف شدنی نباشد.

با اوصاف و ویژگی‌هایی که از این عقود ذکر شد، معلوم می‌شود که سپرده‌های پس‌انداز و دیداری در بانکها، عقد اجاره و عاریه نمی‌باشند. زیرا پول از اشیایی است که استفاده از آن موجب از بین رفتن آن می‌شود. علاوه بر اینکه گرفتن اجاره، عبارت دیگری از بهره می‌باشد؛ چنانکه در عبارات کسانی که در صدد توجیه بهره بوده‌اند آمده است بهره، اجاره‌ی پول است. همینطور با شرایطی که برای ودیعه گفته شد، به نظر می‌رسد سپرده‌ها برخلاف نامشان ودیعه نیز نباشند. زیرا بانک در پول سپرده‌گذاران تصرف کرده از آن‌ها استفاده می‌کند و در صورت تلف شدن ضامن مثل آن‌ها می‌باشد و این با ماهیت ودیعه‌ی شرعی و قانونی سازگار نیست (فراهانی فرد، پیشین: ۱۹۴-۱۹۵). به عبارت دیگر: همان گونه که گفته شد از خصایص ودیعه، بقای عین ودیعه است و تصرف در آن، به خصوص تصرفاتی که از بین برنده عین مال هستند، بنا به اجماع همه مذاهب اسلامی مگر آنچه از مالکیه نقل شده که تصرف را مکروه می‌دانند جایز نیست. حال آن که از ابتدا بنا گذاشته شده که بانک، به جز موارد استثنا، بتواند به طور مطلق و در اموال حساب جاری و پس‌انداز تصرف کند. حتی اگر بپذیریم که سپرده‌های جاری و پس‌انداز ودیعه هستند لازم است بگوییم یا تصرف بانک موجب انتقال اموال به بانک می‌شود که این همان تبدیل شدن به قرض می‌باشد و یا بپذیریم که بانک با اجازه ودیعه‌گذار تنها در ودیعه تصرف می‌کند و مالکیت ودیعه برای صاحب آن باقی است که در این صورت بر اساس قاعده ثبات مالکیت، سود و زیان حاصل از به کارگیری ودیعه به مالک ودیعه تعلق می‌گیرد، در حالی که بانک‌ها علاوه بر تضمین این سپرده‌ها معمولاً یا سودی به این سپرده‌ها، به خصوص در حساب‌های جاری، پرداخت نمی‌کنند و یا سودی کم‌تر از مقدار سود حاصله می‌پردازند؛ گذشته از آن که بانک‌ها این سپرده‌ها را جزو منابع خود تلقی می‌نمایند. از این رو، در صورت پذیرش قرض بودن وجوه سپرده‌گذاری شده در حساب‌های جاری و پس‌انداز، وجوه سپرده‌گذاری شده به ذمه بانک منتقل می‌شود و بانک ضامن برگرداندن معادل آن به سپرده‌گذار می‌شود و با توجه به این که بانک مالک وجوه مزبور گردیده، سودهای حاصل از به کارگیری این وجوه به بانک تعلق دارد.

شهید صدر نیز می‌فرماید:

معمولاً سپرده‌های بانکی را سپرده‌های ناقص می‌نامند. زیرا بانک ملزم نمی‌باشد که دقیقاً همان پول‌هایی را که سپرده شده است، در موقع تقاضا بازپرداخت نماید؛ چنانکه سپرده‌گذار نیز نمی‌تواند از قبول پول‌هایی که بانک می‌دهد مادام که پول رایج کشور باشد خودداری کند.

وی سپس نظر خود را چنین می‌فرماید:

پولی که نزد بانکهای غیراسلامی گذاشته می‌شود، نه سپرده‌ی کامل است و نه سپرده‌ی ناقص؛ بلکه وامهایی است که به هنگام مطالبه‌ی قرض دهنده و یا در سر رسید معین باید به او برگردانده شود. زیرا مالکیت صاحب سپرده با سپردن آن به بانک از بین می‌رود و بانک تسلط کامل بر آن پول پیدا کرده هرگونه تصرفی را در آن می‌تواند انجام دهد. این با ماهیت سپرده (از نگاه فقه) سازگار نمی‌باشد. اما اینکه چرا این مبالغ، سپرده نامیده شده‌اند، زیرا منشأ شکل‌گیری بانک و قبول پول توسط اشخاص و مؤسسات، به صورت سپرده بوده است. اما در طول زمان و با ایجاد تحولاتی در امر بانکداری و تجارب آن، به صورت قرض درآمد، ولی اسم نخستین خود را حفظ کرد. بنابراین مبالغی که صاحبان این سپرده‌ها دریافت می‌دارند، بهره‌ی ربوی در برابر وام است. بانک اسلامی سپرده‌های ثابت و جاری را از یکدیگر جدا می‌کند و سپرده‌های جاری را به عنوان وام دریافت داشته بهره‌ای در قبال آن نمی‌پردازد. (صدر: ۲۱۰ - ۲۱۲)

خلاصه و برآیند سخنان شهید صدر این است که ماهیت سپرده‌های پس‌انداز و جاری، قرض می‌باشند، زیرا در حساب جاری مبلغ سپرده‌گذاری شده به ملکیت بانک در آمده و جزء دارایی بانک به شمار می‌رود و بانک حق هر نوع تصرفی در آن‌ها را دارد. (پیشین: ۴۸) شهید صدر معتقد است عملیات افتتاح حساب جاری و سپرده‌گذاری در حساب جاری به معنای اعطای قرض از طرف سپرده‌گذار به بانک است و عملیات برداشت از حساب جاری به معنای استیفای قرض است و تفسیر حقوق دانان غرب را که عملیات سپرده‌گذاری و برداشت را به وام متقابل بانک از سپرده‌گذار و سپرده‌گذار از بانک می‌دانند قبول ندارد. (پیشین: ۸۵ و ۹۵) و در مورد سپرده پس‌انداز، نیز معتقد است که سپرده پس‌انداز، آن مبلغی است که صاحب آن، آن را به بانک سپرده و در مقابل، دفتر چه حساب پس‌انداز دریافت می‌کند که مبلغ هر پرداخت و برداشتی در آن ثبت می‌شود. صاحب حساب پس‌انداز حق دارد هر زمان به هر اندازه که بخواهد از موجودی خویش برداشت کند. بانک‌ها علاقه دارند سپرده‌گذاران پس‌انداز را تشویق کنند که از موجودی خویش برداشت نکنند. برای این منظور به مانده موجودی این سپرده‌ها بهره می‌پردازند؛ زیرا سپرده‌های پس‌انداز یک شباهت با سپرده‌های ثابت دارند و آن این که بانک به مانده آن‌ها بهره می‌پردازد، لذا رابطه سپرده‌گذار با بانک در بانکداری ربوی رابطه قرض است. (پیشین: ۲۳)

بنابراین اکثر محققان و فقها و حتی حقوقدانان معتقدند که سپرده‌های پس‌انداز و دیداری دارای ماهیت قرض و یا چیزی نزدیک به آن هستند.

امام خمینی پس از اینکه هر سه احتمال را درباره‌ی سپرده‌های بانکی و حکم آن‌ها را بیان نموده خود قرض بودن آن‌ها را اختیار کرده می‌فرماید:

سپرده‌های بانکی اگر به عنوان قرض باشد مانعی ندارد و بانک می‌تواند در آنها تصرف کند و شرط زیادی و گرفتن آن حرام است ... و اگر آنچه به بانک می‌دهد، به عنوان امانت باشد در صورتی که اجازه تصرف نداده باشد، بانک حق تصرف ندارد و در صورت تصرف ضامن است. اما در صورت اجازه‌ی تصرف و یا رضایت بعد از آن جایز است و آنچه بانک به سپرده‌گذار پرداخت می‌کند، حلال است؛ مگر آنکه اجازه در چنین تصرفاتی قرینه بر قرض بودن آن باشد که در این صورت زیادی حرام است، و ظاهر این است که سپرده‌ها از نوع قرض می‌باشند. (الخمينی، ۱۴۰۷، ۲: ۵۵۸)

۲. حساب‌های سرمایه گذاری

سپرده‌گذاران در این حساب‌ها مبالغی را نزد بانک به ودیعه می‌گذارند تا از این بابت درآمدی نصیب آن‌ها شوند. در این حساب‌ها معمولاً باقی ماندن مبلغ تا زمان خاصی (برای مثال شش ماه) نزد بانک شرط می‌شود. این حساب‌ها غالباً به دو گروه حساب‌های سرمایه‌گذاری کوتاه مدت و بلند مدت تقسیم می‌شود. این سپرده‌ها در بانک‌های متعارف (ربوی) به طور مسلم قرض ربوی محسوب می‌شوند.

(صدر، پیشین: ۲۴) زیرا از ابتدا در قراردادی که تنظیم می‌شود، درصد مشخصی بهره، برای آن در نظر گرفته می‌شود که از مصادیق بارز ربای قرضی است. در مورد عقد منطبق بر این حساب‌ها نیز دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد که به چهار دیدگاه می‌توان اشاره کرد:

ودیعه:

بر اساس این دیدگاه، عقد منطبق بر این حساب‌ها، عقد ودیعه است و اقدام بانک به بهره برداری از آن‌ها با اجازه سپرده‌گذار، آن را تبدیل به قرض می‌کند؛ زیرا چنانچه اشاره شد، بنابر نظر فقها تصرف در پول ودیعه گذاشته شده، آن را تبدیل به قرض می‌کند و بر این اساس، سپرده‌گذار هیچ حقی در سودهای به دست آمده ندارد و تمام سودها به تملک بانک در می‌آیند و بانک تنها ضامن مبلغ ودیعه می‌باشد. (الاتحاد الدولی للبنوک الاسلامیة، ۱۹۸۲: ۱۴۹)

وکالت:

بر اساس این دیدگاه، عقد منطبق بر این حساب‌ها، عقد وکالت است. بانک به وکالت از سپرده‌گذار، مبالغ سپرده‌گذاری شده را در موارد مناسب به کار می‌گیرد و بخشی از سود حاصل از سرمایه‌گذاری این وجوه به بانک به عنوان وکیل سپرده‌گذاران تعلق

می‌گیرد. (پیشین) این ایده به طور عمده توسط شهید صدر مطرح شده است. به نظر ایشان سپرده‌های سرمایه‌گذاری را می‌توان به معنای حقیقی کلمه و دیعه فقهی دانست منتهی این سپرده‌ها تنها و دیعه ای نیستند که نیابت نگهداری و حفظ آن‌ها به بانک سپرده شده باشد، بلکه سپرده‌گذاران به بانک وکالت می‌دهند تا در آن مال با اجرای قرارداد مضاربه تصرف نماید. سپرده‌های پس انداز نیز که به منظور کسب سود به بانک‌ها سپرده می‌شوند و از حیث برداشت قیود سپرده‌های ثابت را ندارند نیز در این طرح و دیعه شرعی محسوب می‌شوند. منتهی بانک بدون ربا بخشی از سپرده پس انداز را به عنوان قرض قبول می‌کند و آنرا برای پاس‌خگویی به برداشتهای از این حساب، بصورت نقدینه نگه داشته و آنرا در مضاربه و سرمایه‌گذاریها بکار نمی‌گیرد. (توکلی، پیشین)

مضاربه شرکت:

به اعتقاد برخی از محققان بانکداری اسلامی، رابطه بانک و سپرده‌گذاران را می‌توان بر اساس مضاربه مشترک ترسیم کرد. بر این اساس سپرده‌گذاران با انعقاد قرار دادی وجوه خود را در قالب عقد مضاربه به بانک می‌دهند. بانک نیز با انعقاد قرار داد مضاربه با متقاضیان تسهیلات این وجوه را به کار می‌گیرد. سود حاصل از این سرمایه‌گذاری با نسبت مشخص شده میان بانک و گیرندگان تسهیلات تقسیم می‌شود. سپس سهم سود بانک بر اساس نسبت‌های قرارداد مضاربه اول میان بانک و سپرده‌گذاران تقسیم می‌شود. این روش در بسیاری از بانک‌های اسلامی مورد استفاده قرار می‌گیرد. با توجه اینکه بنا بر مشهور فقهای شیعه مضاربه به بازرگانی اختصاص دارد، این شیوه در بانک‌های اسلامی شیعی با محدودیت‌هایی مواجه است. (پیشین)

شرکت:

برخی نیز عقد منطبق بر حساب‌های سرمایه‌گذاری را عقد شرکت قلمداد کرده و تصرف بانک در سپرده‌ها را از قبیل تصرف شریک در مال شریکش می‌دانند. این نظر از فتوای برخی از فقهای اهل سنت اقتباس شده است. بر اساس این فتوا، «اگر گیرنده و دیعه با اجازه و دیعه‌گذار، و دیعه را با مال خود و یا مال دیگری مخلوط کند، تبدیل به شرکت (ملکی) می‌شود.» (عبدالرحمن جزیری، ۱۹۸۶: ۳۴۷) بدین ترتیب بانک بعنوان شریک می‌تواند سهمی از سودهای حاصله را به خود اختصاص دهد. (عبدالرزاق رحیم جدی الهیتی، ۱۹۹۸: ۲۷۵) البته شرط صحت این عقد آن است که برای هیچیک از طرفین مبلغ معینی به عنوان سود مشخص نشود. بلکه پس از پایان مدت قرارداد، در صورت حصول سود، این مبلغ بر اساس نسبت‌هایی که از پیش تعیین شده، تقسیم گردد. (پیشین: ۲۷۶) علاوه بر آن، برخی فقهای اهل سنت، مضاربه را از انواع عقد شرکت می‌دانند.

بر این اساس، صاحبان حساب‌های سرمایه‌گذاری وجوه خود را به عنوان مضاربه به بانک می‌سپارند و چون بنابر نظر آن‌ها مضاربه نوعی شرکت است، رابطه بین بانک و سپرده‌گذار رابطه شراکت می‌باشد. لازم به ذکر است که بسیاری از فقهای اهل سنت و برخی از فقهای شیعه (محمد صدر، ۱۴۱۳: ۳۶۷-۳۷۵) مضاربه را محدود به فعالیت‌های بازرگانی نمی‌دانند و از این جهت نیز مشکلی برای تطبیق آن وجود ندارد.

ضمانت سپرده‌های سرمایه‌گذاری

سه عامل باعث تشویق صاحبان وجوه به امر سپرده‌گذاری در بانکداری متعارف می‌شود. این عوامل عبارتند از:

۱. تضمین اصل سپرده :

بانک‌های ربوی اصل سپرده‌ها را به صورت قرض برای سپرده‌گذاران تضمین می‌کنند.

۲. پرداخت بهره :

بانک‌های ربوی افزون بر اصل سپرده به مانده آن‌ها بهره نیز می‌پردازند.

۳. امکان برداشت :

بانک‌های ربوی این امکان را فراهم آورده‌اند تا صاحب سپرده بتواند در سررسید، کل یا بخشی از سپرده‌اش را بردارد. (موسوی یان، ۱۳۸۵، شماره ۲۱)

بنا بر این یکی از مسائلی که پاسخ‌گویی به آن مترتب بر مبانی مزبور می‌باشد، پاسخ به این سؤال است که آیا بانک ضامن سپرده‌های سرمایه‌گذاری است و به اصطلاح، آیا ید بانک، ید ضمان است و یا ید او امانی می‌باشد؟ در این زمینه چند نظر ابراز شده است:

۱. برخی معتقدند بانک ضامن این سپرده‌هاست و تمام خسارت‌های ناشی از به کارگیری آن‌ها به عهده بانک می‌باشد؛ (الاتحاد الدولی للنوک الاسلامیة، پیشین: ۱۴۹) زیرا این سپرده‌ها ودیعه شرعی می‌باشند. بر اساس این نظر، اجازه تصرف از طرف سپرده‌گذار، سپرده را تبدیل به قرض می‌کند و در قرض، گیرنده مبلغ ضامن است.

۲. به اعتقاد برخی، بانک در مورد این سپرده‌ها عامل مضاربه مشترک (مضاربه دو طرفه) است. مضاربه مشترک به این معنا می‌باشد که بانک سپرده‌های سرمایه‌گذاری تعداد زیادی از سپرده‌گذاران در حساب‌های سرمایه‌گذاری را بر اساس مضاربه می‌پذیرد و سپس آن را مضاربه می‌دهد. بر اساس این نظر، همان حکمی که برخی از فقها برای ضمانت شخص صنعت کار (مانند آهنگر، بنا، خیاط و ...) ذکر می‌کنند، در مورد عامل مضاربه مشترک نیز جاری است؛ زیرا اگر عامل مضاربه مشترک ضامن نباشد، اموال را تضییع می‌کند. علاوه بر این که بر اساس نظر برخی از فقها اگر عامل مضاربه خود اقدام به مضاربه نکند و مال مضاربه را به دیگری مضاربه دهد، ضامن است. گذشته از آن که، عامل مضاربه مشترک فعالیتی انجام نداده تا استحقاقی در سودهای حاصله داشته باشد و

استحقاق او را تنها می‌توان با ضامن بودنش تصحیح کرد؛ زیرا استحقاق عامل در سود به کار، مال و یا ضامن است.

۳. نظریه دیگری که در این مورد ابراز شده این است که بانک امین بر سپرده‌های سرمایه‌گذاری می‌باشد و ید او بر این سپرده‌ها ید امانی است. به این معنا که اگر در نتیجه سرمایه‌گذاری این وجوه توسط بانک سودی حاصل شد، بر اساس نسبتی که از پیش تعیین کرده اند، بخشی از سود به سپرده‌گذار و بخش دیگر به بانک تعلق می‌گیرد و در صورت بروز زیان، اگر بانک در به کارگیری این وجوه افراط یا تفریط نکرده باشد، هیچ خسارتی را متحمل نمی‌شود و تمام خسارت حاصل متوجه سپرده‌گذار است، هر چند تلاش بانک نیز در به کارگیری این وجوه هدر رفته است. طرفداران این نظر به دلایل زیر استدلال می‌کنند: **الف)** تنها عقد شرعی که می‌توان بر فعالیت بانک در به کارگیری این سپرده‌ها منطبق کرد، عقد مضاربه است. بر این اساس، تصرف بانک در سپرده‌ها از قبیل تصرف عامل مضاربه در مال مضاربه است و به اجماع فقها ید عامل مضاربه، ید امانی است.

(عبدالرزاق رحیم جدی الهیتی، پیشین، ۲۷۸ و ۴۹۱)

ب) ضامن بودن بانک با روایت نقل شده از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله «الخراج بالضمان» منافات دارد؛ زیرا اگر سپرده‌گذار هیچ خسارتی را متحمل نشود، مجوزی برای استحقاق سود ندارد. (پیشین)

ج) قیاس عامل مضاربه مشترک به صنعت کار صحیح نیست، زیرا اولاً، ضامن بودن صنعتکار اختلافی است. و ثانیاً، این دو از یکدیگر متفاوتند؛ زیرا در واقع اجیر مشتریان می‌شود تا عمل مورد تقاضا را برای آن‌ها انجام دهد و اجاره از عقود معاوضی است، در حالی که مضاربه از عقود شرکتی می‌باشد. در عقود مشارکتی، یک طرف نمی‌تواند تنها سود ببرد و مسوولیتی در برابر خسارت‌ها نداشته باشد. علاوه بر آن، طبیعت اجاره با ضمانت مناسبت دارد، اما طبیعت مضاربه چنین نیست؛ زیرا در اجاره، اجیر موظف به انجام کاری است که بر آن اجیر شده، و اجاره تصرف مطلق ندارد. ولی در مضاربه عامل در مال تصرف می‌کند، تا اگر سودی حاصل شد، بین آن‌ها تقسیم شود، از این رو، مبنایی برای ضامن بودن او وجود ندارد. همچنین اگر برخی از فقها صنعتکار را ضامن دانسته اند، به دلیل اجرت قطعی است که نصیب وی می‌شود. در حالی که عامل مضاربه مشترک درآمد قطعی ندارد؛ چون در مضاربه گاهی سود حاصل می‌شود و گاه سودی محقق نمی‌گردد.

(عبدالرزاق رحیم جدی الهیتی، پیشین: ۴۹۰)

و از طرف در این دیدگاه، چون ضمانت بانک را برای جلب اعتماد مردم به بانک‌ها ضروری پنداشته اند، درصدد درست کردن مبانی فقهی آن برآمده‌اند (سامی حمود، پیشین: ۳۹۹)

د) ضامن بودن عامل مضاربه با عدالت سازگار نیست؛ زیرا مضاربه بر اساس مشارکت بین صاحب مال و عامل انجام می‌گیرد. حال اگر عامل مضاربه در حین این فعالیت نقص

عضو و یا بیماری پیدا کرد، هیچ کسی قایل به ضامن بودن صاحب مال در قبال این خسارت نشده است. حال چطور عامل مضاربه ضامن خسارت‌های بدون افراط و تفریط اش باشد؟ مقتضای عدالت این است که دو شریک در خسارت‌ها سهیم باشند؛ عامل مضاربه به واسطه نتیجه ندادن تلاشش و صاحب مال بواسطه نقصان مالش (عبدالرزاق رحیم جدی الهیتی، پیشین: ۴۹۱)

مرحوم شهید صدر رحمه الله (چنان که قبلاً نیز مختصراً اشاره شد) در کتاب ارزشمند «البنک اللاربوی» تحلیل جامعی پیرامون سپرده‌های بانکی ارائه نموده اند. به اعتقاد ایشان سپرده‌های جاری و مدت دار که در بانک‌های ربوی پذیرفته می‌شوند، از نظر فقه اسلامی نه ودیعه کامل اند و نه ودیعه ناقص، بلکه قرض‌هایی هستند که موعد وصول آن‌ها در زمان حال و یا در آینده می‌باشد. زیرا مالکیت سپرده‌گذار با اعطای اختیار کامل به بانک در به کارگیری و تصرف سپرده‌اش زایل می‌شود و این امر با طبیعت ودیعه سازگار نیست. نامگذاری سپرده‌ها به اسم ودیعه، تنها به دلیل سابقه تاریخی است که در ابتدا بانک‌ها آن‌ها را به منظور حفظ و نگهداری قبول می‌کردند، اما به تدریج با توسعه کار بانک‌ها، سپرده‌ها شکل قرض را به خود گرفتند و اسم ودیعه بر آن‌ها باقی ماند. حال در طراحی بانکداری بدون ربا باید بین سپرده‌های ثابت (مدت‌دار) و سپرده‌های جاری تفکیک قایل شد. سپرده‌های جاری بر اساس عنوان قرض پذیرفته شده و هیچ عایدی به آن‌ها تعلق نمی‌گیرد. اما سپرده‌های ثابت (مدت‌دار) را می‌توان به معنای حقیقی کلمه ودیعه فقهی دانست؛ منتها این سپرده‌ها تنها ودیعه‌ای نیستند که نیابت نگهداری و حفظ آن‌ها به بانک سپرده شده باشد، بلکه سپرده‌گذاران به بانک وکالت می‌دهند تا در آن مال با اجرای قرارداد مضاربه تصرف نماید. سپرده‌های پس انداز نیز که به منظور کسب سود به بانک‌ها سپرده می‌شوند و از حیث برداشت قیود سپرده‌های ثابت را ندارند نیز در این طرح ودیعه شرعی محسوب می‌شوند. بانک بدون ربا بخشی از سپرده پس انداز را به عنوان قرض قبول می‌کند و آن را برای پاسخ‌گویی به برداشت‌ها از این حساب، به صورت نقدینه نگه داشته و در مضاربه و سرمایه‌گذاری‌ها به کار نمی‌گیرد. شهید صدر که طرح خود را برای ایجاد بانکی بدون ربا در کنار بانک‌های ربوی ارائه کرده به دنبال راهی برای تضمین سپرده‌های ثابت و پس انداز توسط بانک بدون رباست تا این بانک بتواند با بانک‌های ربوی که سپرده‌ها را تضمین می‌کنند، رقابت کند. ایشان در مورد تضمین این سپرده‌ها عنوان می‌دارند که چون فرض ضامن بودن عامل مضاربه، یعنی گیرنده تسهیلات، با سهیم شدن صاحب سرمایه، یعنی سپرده‌گذار، در سود سازگاری ندارد، می‌توان این ضمانت را به بانک به عنوان شخص سوم غیر از عامل و مالک واگذار کرد. بانک به عنوان شخص سوم خسارت وارد بر اصل سپرده‌ها را با یک عقد خاص و یا با شرط ضمن عقد، به صورت شرط نتیجه و یا شرط فعل، به عهده می‌گیرد. شرط نتیجه این است که خسارت وارده ابتداءً و اصالتاً متوجه بانک گردد و

شرط فعل آن است که قرار بگذارند خسارت‌ها ابتداءً متوجه صاحب مال، یعنی سپرده‌گذار، شود، اما بانک تعهد کند که معادل آن خسارت را به صاحب مال بپردازد. در طرح شهید صدر سه طرف وجود دارد: یکی، صاحب مال، یعنی سپرده‌گذار؛ دیگری، عامل مضاربه، یعنی به کار گیرنده سپرده؛ و سومی، بانک به عنوان واسطه بین این دو. وساطت بانک بین دو طرف، خدمت محترمی است و از این رو، بانک می‌تواند در مقابل آن بر اساس جعاله مبلغی دریافت نماید. بخشی از جعل در مقابل تضمین سپرده توسط بانک و بخشی نیز در مقابل کاری که انجام داده، قرار می‌گیرد. (صدر: ۷۳۲۰ و ۲۱۴)

نکته حائز اهمیت در این مورد آنکه در فقه شیعه وکیل نیز همانند عامل مضاربه امین بوده و تنها ضامن خسارتهایی است که در اثر کوتاهی و یا تخلف وی حاصل شده باشد و ضامن سایر خسارت‌ها نیست. (علی اصغر، ۱۶، پیشین: ۱۰، ۲۳، ۲۵، ۳۱، ۶۷ و ۵۶) گذشته از اینکه بنا بر برداشت دوم از «قاعده بطلان ربح مالا یضمن» نمی‌توان خسارتها و ضمان سرمایه را به بکار گیرنده سرمایه تحمیل کرد. حال اگر خود بانک این سرمایه را در ضمن سرمایه گذاری مستقیم بکار گیرد، نمی‌تواند ضامن خسارتهای احتمالی باشد و اگر سرمایه را به دیگران واگذار نماید، نمی‌تواند تضمینی از آن‌ها مطالبه کند. بهر حال شهید صدر در مورد سه عامل مذکور (تضمین سپرده‌ها، پرداخت بهره و امکان برداشت) معتقد است که این عوامل در بانکداری بدون ربا نیز به شرح ذیل قابل اجرا است. (موسویان، ۱۳۸۵، شماره ۲۱)

تضمین سپرده‌ها

عنصر تضمین اصل سپرده را در بانکداری بدون ربا نیز می‌توانیم برای سپرده‌گذار فراهم کنیم؛ اما نه از طریق قرض دانستن سپرده، شبیه آنچه در بانکداری ربوی عمل می‌شود؛ چراکه در آن صورت نمی‌توان به سپرده‌گذار سود داد و نه از طریق الزام تضمین بر گیرنده تسهیلات که در طرح ما عامل مضاربه است که از نظر شرعی نمی‌توان او را متعهد به اصل سرمایه کرد؛ بلکه بانک در جایگاه شخص ثالث و واسطه در قرارداد مضاربه به صاحب سرمایه (سپرده‌گذار) ضمانت می‌دهد چنانچه که سرمایه‌گذار در به کارگیری سرمایه ضرر کرد بانک ضرر او را جبران کند. شهید صدر در پیوست نشان می‌دهد که تضمین سرمایه در قرارداد مضاربه به وسیله شخص ثالث منعی ندارد. (صدر، پیشین: ۱۸۰، ۳۳-۲۰۴)

پرداخت بهره

عنصر دوم تأثیر گذاری بر عملیات سپرده‌گذاری، پرداخت بهره ثابت از طرف بانک‌های ربوی به مانده سپرده ثابت است. در بانکداری بدون ربا، آن را با سود حاصل از قرارداد مضاربه تأمین می‌کنیم. چنان که گذشت، بانک به وکالت، منابع حاصل از سپرده‌های ثابت را در قالب مضاربه به سرمایه‌گذاران داده، در پایان سال مالی سود حاصل از به کارگیری

سرمایه را از آنان گرفته بین سپرده‌گذاران تقسیم، و این عنصر درآمد را تأمین می‌کند با این تفاوت که در بانکداری بدون ربا درآمد، ثابت و از پیش تعیین شده نیست و بستگی به میزان توفیق سرمایه‌گذار و بنگاه اقتصادی دارد. (پیشین: ۳۳-۳۷)

تفاوت دیگر این که در بانکداری ربوی از روز سپرده‌گذاری، بهره به سپرده ثابت تعلق می‌گیرد؛ در حالی که در بانکداری بدون ربا؛ سپرده باید به سرمایه‌گذاری تبدیل شود تا بعد از آن سود تعلق گیرد (پیشین: ۳۶)

امکان برداشت

در بانکداری ربوی سپرده‌گذار حق دارد بعد از سررسید، کل سپرده یا بخشی از آن را از بانک برداشت کند. در بانکداری بدون ربا این مسأله مشکل است؛ چرا که سپرده‌های ثابت از طریق قرارهای مضاربه وارد فعالیت‌های تجاری و صنعتی شده و خارج کردن آن‌ها از طرح‌های اقتصادی باعث اختلال پروژه‌ها می‌شود. برای حل این مشکل شهید صدر پیشنهاد برنامه ریزی دقیق بانکی برای به کارگیری سپرده‌ها دارد؛ به گونه‌ای که در پایان هر شش ماه حدود ده درصد طرح‌های که از طریق مضاربه تأمین مالی شده اند و حدود ده صد سپرده‌های ثابت، منتهی به سررسید شوند تا امکان برداشت برای صاحبان سپرده فراهم شود (پیشین: ۳۷-۴۰)

حقوق بانک

در بانکداری ربوی، تفاوت بهره دریافتی از وام‌ها و اعتبارات با بهره پرداختی به سپرده‌ها که به طور معمول نرخ ثابتی است، درآمد بانک را تشکیل می‌دهد. شهید صدر برای بانکداری بدون ربا دو محل درآمد قایل است. (پیشین: ۴۱-۴۷)

۱. درآمد ثابت از ناحیه سرمایه‌گذار

چنان که گذشت، بانک بدون ربا، واسطه بین صاحب سرمایه (سپرده‌گذار) و عامل (سرمایه‌گذار) در قرارداد مضاربه است و با این واسطه‌گری خدماتی به سپرده‌گذار و خدماتی به سرمایه‌گذار ارائه می‌کند بانک بدون ربا می‌تواند در برابر ارائه خدمت به سپرده‌گذار اجرت ثابت و معینی از او دریافت کند. این اجرت می‌تواند در حد تفاوت بهره دریافتی و بهره پرداختی در بانکداری ربوی باشد.

۲. درآمد متغیر از ناحیه سپرده‌گذار

بانک در جایگاه وکیل سپرده‌گذار حق دارد در برابر خدماتی که به سپرده‌گذار ارائه می‌کند از قبیل حفظ و نگهداری سپرده و یافتن عاملی برای آن، بخشی از سود حاصل از مضاربه که متعلق به صاحب سرمایه است را به صورت کارمزد و حق الوکاله از سپرگذار دریافت کند (پیشین: ۲۰۵)

نتیجه‌گیری

فعالیت‌های بانکی ازدو بخش تجهیز و تخصیص تشکیل می‌گردد. تجهیز و تخصیص در نظام بانکداری متعارف بر مبنای قرض و بر پایه بهره استوار است. سود بانک نیز از مابه‌التفاوت بهره پرداختی به سپرده‌گذاران و بهره دریافتی از گیرندگان وام و تسهیلات بانکی به دست می‌آید.

بر اساس قوانین کشورهای مختلف (حقوق فرانسه، انگلستان و آمریکا) ماهیت سپرده‌های بانکی در بانکداری متعارف قرض است. لذا بعد از عملیات سپرده‌گذاری، سپرده به مالکیت بانک در می‌آید و جزو منابع بانک محسوب شده، بانک حق هرگونه دخل و تصرفی در آن را دارد. بانک در همه سپرده‌ها، ضامن اصل سپرده و در سپرده‌های پس‌انداز و مدت‌دار علاوه بر اصل سپرده متعهد به پرداخت بهره هم هست. در همه سپرده‌ها رابطه مشتری و بانک، رابطه بستانکار و بدهکار است. در حقوق آمریکا، در مورد سپرده خاص، بانک تنها مسئولیت حفاظت از مال را می‌پذیرد، بدون آنکه اختیار بکاربردن آن را داشته باشد لذا در این نوع سپرده، حق مالکیت برای سپرده‌گذار باقی می‌ماند از نظر حقوقی نیز رابطه بین بانک و مشتری رابطه ودیعه‌گذار و مستودع است، (حفظ امانات) نه بستانکار و بدهکار.

با توجه به تحریم ربا در اسلام، ما نمی‌توانیم از شیوه بانکداری متعارف که مبتنی بر ربا می‌باشد جهت تجهیز و تخصیص منابع پولی در نظام مالی اسلامی استفاده نمایم. بناءً برای سامان دهی نظام مالی و بانکداری اسلامی از عقود اسلامی به عنوان جایگزین‌های مناسب نظیر وکالت مضاربه مشارکت و... در تجهیز و تخصیص منابع پولی باید استفاده نمود.

در تبیین ماهیت فقهی سپرده‌های بانکی، نظیر حساب جاری و پس‌انداز در بانکداری اسلامی از سوی محققان و اندیشمندان اسلامی و تعیین نوع عقد شرعی که این عملیات تحت آن می‌گنجد، احتمال‌های مختلفی نظیر قرض، ودیعه، عاریه، اجاره و دیعه ناقص، مطرح می‌باشد.

سپرده‌های بانکی سپرده‌های ناقص می‌باشند. پولی که نزد بانک‌های غیراسلامی گذاشته می‌شود، نه سپرده‌ی کامل است و نه سپرده‌ی ناقص؛ بلکه وام‌هایی است که به هنگام مطالبه‌ی قرض دهنده و یا در سر رسید معین باید به او برگردانده شود.

شهید صدر ماهیت سپرده‌های پس‌انداز و جاری را، قرض می‌داند، لذا مبلغ سپرده‌گذاری شده در حساب جاری به ملکیت بانک در آمده و جزء دارایی بانک به شمار می‌رود و بانک حق هر نوع تصرفی را در آن‌ها دارد. در سپرده پس‌انداز، صاحب حساب حق دارد هر زمان به هر اندازه که بخواهد از موجودی خویش برداشت کند.

امام خمینی سپرده‌های بانکی را قرض دانسته، هرگونه شرط زیادی و گرفتن آن را حرام می‌داند.

سپرده‌های حساب سرمایه گذاری مدت دار در بانکهای متعارف به طور مسلم قرض ربوی محسوب می‌شوند. در بانکداری اسلامی در مورد عقد منطبق بر این حساب‌ها دیدگاه‌های متفاوتی نظیر ودیعه، وکالت، مضاربه شرکت و شرکت بیان گردیده است. از نظر شهید صدر عقد منطبق بر این حساب‌ها، عقد وکالت است. بانک به وکالت از سپرده‌گذار، مبالغ سپرده‌گذاری شده را در موارد مناسب به کار می‌گیرد و بخشی از سود حاصل از سرمایه گذاری این وجوه به بانک به عنوان وکیل سپرده‌گذاران تعلق می‌گیرد. برخی از محققان بانکداری اسلامی، رابطه بانک و سپرده‌گذاران را بر اساس مضاربه مشترک ترسیم نموده‌اند. این روش در بسیاری از بانک‌های اسلامی مورد استفاده قرار می‌گیرد. ولی از نظر مشهور فقهای شیعه با محدودیت‌هایی مواجه است زیرا آن‌ها مضاربه را فقط محدود به بازرگانی می‌دانند.

برخی از فقهای اهل سنت عقد منطبق بر حساب‌های سرمایه گذاری را عقد شرکت قلمداد کرده و تصرف بانک در سپرده‌ها را از قبیل تصرف شریک در مال شریکش می‌دانند. البته مشروط بر این که برای هیچیک از طرفین مبلغ معینی به عنوان سود مشخص نشود. برخی از فقهای اهل سنت، مضاربه را از انواع عقد شرکت می‌دانند. لازم به ذکر است که بسیاری از فقهای اهل سنت و برخی از فقهای شیعه مضاربه را محدود به فعالیت‌های بازرگانی نمی‌دانند.

عوامل مانند تضمین اصل سپرده‌ها، پرداخت بهره وامکان برداشت باعث تشویق صاحبان وجوه به امر سپرده‌گذاری در بانکداری متعارف می‌شود.

شهید صدر در مورد سه عامل مذکور معتقد است که این عوامل در بانکداری بدون ربا نیز قابل اجرا است. البته نه به شیوه ای که بانکداری متعارف از آن استفاده می‌نمایند

منابع

۱. فراهانی فرد، سعید، سیاست‌های پولی دربانک داری بدون ربا، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۸، ص ۱۸۹-۱۸۸
۲. سید عباس موسویان، جزوه فقه معاملات بانکی
۳. کاشانی، مجموعه مقالات هشتمین سمینار بانکداری اسلامی، ص ۱۰۶.
۴. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۵، بیروت، داراحیاء التراث العربی، طبعه جدید ملونه، الطبعه الاولى، ۱۹۹۵، ص ۲۵۴
۵. محقق ثانی، جامع المقاصد فی شرح القواعد، قم، موسسه آل البيت، ج، دوم، ۱۴۱۴ه ق، ج ۶، ص ۷.
۶. سید محمد رضا حسینی، قانون مدنی در رویه قضایی، تهران انتشارات مجد، چاپ سوم، ۱۳۸۳، ص ۱۸۵
۷. قانون مدنی، ماده ۶۱۴.
۸. حسن عبدالله امین، الودائع المصرفية النقدية و استثمارها فی الاسلام، الطبعه الاولى، جدّه، دارالشروق، ۱۹۸۳، ص ۲۲۲
۹. حسینی، سید محمد رضا قانون مدنی در رویه قضایی، تهران انتشارات مجد، چاپ سوم، ۱۳۸۳
۱۰. حلی، محقق، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام، قم، موسسه المعارف الاسلامیه، چاپ اول، ۱۴۱۵، ج ۲
۱۱. الخوی، السيد ابوالقاسم، مستند العروة الوثقی، کتاب الاجاره المطبوعه، لعلمیه، بی تا، قم
۱۲. خمینی، سید روح الله، تحریر الوسیله، بیروت، چاپ اول، ۱۴۰۷، ج ۲، مسأله ۳ و ۶
۱۳. الاتحاد الدولي للبنوك الاسلامیه، الموسوعه العلمیه و العلمیه للبنوك الاسلامیه، ج ۵، القسم الشرعی، الطبعه الاولى، قاهره، مطابع الاتحاد الدولي للبنوك الاسلامیه، ۱۹۸۲، ص ۱۴۹
۱۴. عبدالرحمن جزیری، الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۳، بیروت، داراحیاء التراث العربی، الطبعه الاولى، ۱۹۸۶، ص ۳۴۷
۱۵. عبدالرزاق رحیم جدی الهیبتی، المصارف الاسلامیه بین النظریه و التطبيق، الطبعه الاولى، عمان، دار اسامه، ۱۹۹۸، ص ۲۷۵. نقل از فقه سپرده
۱۶. موسوی یان، سید عباس، بانکداری بدون ربا از نگاه شهید صدر، فصل نامه تخصصی اقتصاد اسلامی، سال ششم، بهار ۱۳۸۵، شماره ۲۱
۱۷. محمد باقر صدر، البنك اللاروی فی الاسلام، کویت، مکتبه جامع النقی العامه، بدون تاریخ، ص ۲۱۴ و ۲۳۲